

تأثیر باور دینی در نحوه برخورد با محیط زیست

مریم رفیعا^{۱*}

Maryammoezi16@gmail.com

نقیسه ساطع^۲

چکیده

این مقاله، که با موضوع تأثیر باور دینی در نحوه برخورد با محیط زیست، نوشته و تبیین شده است، به نحو تطبیقی میان کلام اسلامی و محیط زیست بوده و از مبانی کلامی و فلسفی برای چگونگی برخورد با محیط زیست استفاده کرده است. هم چنین، محیط زیست، در عام ترین معنای ممکن به کار رفته و متناظر با عالم طبیعت، در نظر گرفته شده است. تعیین ارتباط میان خداوند، به عنوان خالق کل عالم هستی، عالم طبیعت، به عنوان مسخر وجود انسان و راهنمای وی به سوی خداشناسی، و انسان به عنوان جانشین و خلیفه خداوند بر زمین که قدرت تصرف و غلبه بر عالم طبیعت را دارد، از جمله اهداف این مقاله است. هم چنین، معرفی کردن عالم هستی به عنوان امانتی الهی و بیان برخی آموزه ها در نحوه حفظ و نگهداری آن، که اسلام، مومنان را ملزم به اجرای آن گردانده است، از دیگر اهداف این مقاله است.

کلمات کلیدی: باور دینی، انسان، طبیعت، حیوانات.

۱ - کارشناسی ارشد کلام اسلامی؛ دانشکده الهیات دانشگاه قم^۳ (مسئول مکاتبات)

۲- استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم

مقدمه

از جمله حوزه هایی که ارتباط ضروری با حیات دنیایی داشته، حوزه عالم طبیعت و محیط زیست است. حوزه‌ای که همواره رویاروی انسان قرار داشته، با قدرت‌نمایی خود، انسان‌ها را یا به سجده و پرستش وادار کرده و یا برای مهار و تسلط بیش‌تر، حریص کرده است. سوال اصلی که در این مقاله مورد پردازش قرار می‌گیرد، این است که در باور دینی اسلامی، نحوه برخورد با محیط زیست چگونه است؟ آیا برتری انسان نسبت به عالم طبیعت، هرگونه رفتار و برخوردی را مجاز خواهد ساخت؟ آن چه به عنوان پیش فرض تلقی شده و در این نوشتار مورد تحلیل قرار خواهد گرفت این است که در اسلام، محیط زیست اعم از جمادات، نباتات و حیوانات از حقوق خاصی برخوردار بوده و انسان مومن، همواره به رعایت این حقوق توصیه شده است. هم چنین، نگاه اسلام به عالم هستی به گونه‌ای است که وجود انسان خلیفه الله، جدای از وجود عالم هستی نیست. گویی شرط رسیدن به مقام الهی در انسان، رعایت حقوق تمامی موجودات است و با ذره‌ای حق‌کشی و ظلم، بسیاری از مراتب روحانی، از بین خواهد رفت.

با نگاهی به آسیب‌ها و صدماتی که بشر در قرن حاضر بر پیکره محیط زیست وارد کرده است و به صورت خودخواسته، انواع خسارات جانی، مالی و طبیعی از قبیل خشک‌سالی‌ها، بیابان‌زایی‌ها، کاهش ذخایر آبی، گونه‌های گیاهی و حیات وحش را متحمل شده است، می‌توان به اهمیت تحقیق حاضر پی برد و راه برون رفتن از این قبیل مشکلات را در میان آموزه‌های دینی جستجو کرد.

آن چه به این مقاله ضرورت می‌بخشد، دقت در این نکته است که طبق تحلیل‌های ناروای برخی از قشری‌گرایان، طبیعت، طفیل هستی و مسخر وجود انسان بوده و برای بهره‌گیری بیش‌تر انسان از زندگی، آفریده شده است. برخی این قبیل تحلیل‌ها را مجوز غصب و غارت و به تاراج کشیدن منابع طبیعی دانسته‌اند و به گمان خود، با مجوز دین، بر طبیعت حمله می‌کنند. در این مقاله که با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده، هدف اصلی تبیین جایگاه محیط زیست، نحوه تاثیرگذاری

باورهای دینی و اعتقادی انسان در چگونگی رفتار با طبیعت و بیان اهمیت آن در آموزه‌های اسلامی است.

یافته های کلامی و فلسفی درباره جایگاه محیط زیست:

بررسی عالم طبیعت، نه فقط در حوزه علوم تجربی، بلکه در حوزه علوم نقلی و عقلی نیز بسیار مدّ نظر بوده است. تاکید ارسطو بر تحقیق بر عالم طبیعت به عنوان نقطه آغاز علم و خلاصه شدن تمام حقیقت هستی در همین عالم، منجر شد تا در مکتب مشای که یکی از عقلانی‌ترین مکاتب فلسفی است، تربیت دانشمندان، مقدم بر فیلسوف بوده و تلاش‌های علمی در قالب تربیت «دانشمند-فیلسوف» به ثمر برسد. مشاهده تغییر و حرکت در عالم طبیعت، پیش از آن که توسط فلاسفه و عرفا تحلیل، و به ارایه نظراتی چون حرکت حسی در عرفان و برهان نظم در فلسفه منجر گردد، در ادیان مختلف، مورد توجه بوده است. علی رغم این همه تاکید، از سوی ادیان، شواهد دال بر این است که در قرن حاضر، تلاش‌های علمی و ارایه هزاران اثر پژوهشی درباره حفظ محیط زیست بی‌فایده بوده، عمل کرد انسان به عنوان اشرف مخلوقات، بشریت را به سوی پرت گاه سوق داده است. یکی از پژوهش‌گران محیط زیست، درباره مقایسه دیدگاه اسلام و مسیح می‌نویسد:

«از دیرباز بر این باور بودم که انجیل مکمل تورات، و قرآن مکمل تمام کتب آسمانی است و با دانش اندوزی در علم محیط زیست به یک باور دیگر رسیدم و آن این است که قرآن یک کتاب حفاظت از محیط زیست است» (۱).

یکی از کامل‌ترین مجموعه تعالیم الهی درباره نحوه برخورد با محیط زیست را می‌توان در اسلام شاهد بود. آن جا که قرآن صامت، ضمن تاکید بر جایگاه ویژه انسان در خلقت و برخورداری از مقام خلافت الهی، بالاترین حقوق را برای انسان در نظر می‌گیرد و در کنارش، قرآن ناطق حضرت علی (ع) خود را از گرفتن پوست جویی از دهان مورچه منع می‌کنند و بالاتر از آن این که در شب شهادت شان، قبل از ورود به مسجد کوفه، در قالب آخرین وصایا به حضرت ام کلثوم، سفارش اردک‌های خانه را به دخترشان می‌کنند و می‌فرمایند:

می‌فرماید: «هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر این که از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز این که در کتابی آشکار (در کتاب علم خدا) ثبت است» (۴).

آگاهی خدا از آن چه در خشکی و دریاست به معنای احاطه علم او بر همه چیز است، یعنی او از جنبش میلیاردها موجود زنده در اعماق دریاها و لرزش برگ‌های درختان در تمام جنگل‌ها و کوه‌ها و جریان امواج نسیم در بیابان‌ها و خمیدگی دره‌ها و در نهایت از حرکات مرموز الکترون‌ها در دل اتم خبر دارد. (۵).

از جمله تعالیم اساسی در دین اسلام که به خوبی در سلوک اولیای دین، قابل مشاهده است، اهمیت و تأکید بر حفظ و احترام به عالم طبیعت است. گویی انسانی که برای محیط‌زیست پیرامون خود، ارزش و احترام قایل می‌شود، شخصیت خود را نیز محترم شمرده است، چرا که هر دو مخلوق خالق‌ی واحد بوده و موظف به رعایت حقوق یکدیگرند. این تأثیرپذیری متقابل، نه تنها در دین، بلکه در فلسفه و عرفان اسلامی، تحت قاعده وحدت وجود، به خوبی تحلیل شده است. وحدت وجود، حکایت از این اصل دارد که هیچ مخلوقی در عالم هستی، وجودی مستقل و جداگانه از خداوند متعال ندارد.

«وجود، حقیقت واحده‌ای است ساری در جمیع موجودات و ماهیات ممکنات، نیستند مگر امور اعتباریات و حقایق موجودات یا همگی مظاهر آن حقیقت واحده‌اند» (۶).

این قاعده در نظر گروهی به تقلیل شان الوهیت می‌انجامد، در حالی که اگر به درستی مورد فهم واقع شود، بهترین مویذ برای اصل توحید بوده و در کلام ائمه اطهار (ع) نیز جاری شده است؛ آن جا که امام صادق (ع) برای تعلیم وحدت وجود به شخصی عاقلی، این گونه از مثال روغن و چراغ استفاده می‌کنند و می‌فرمایند:

«خدا در سنگ و آب و گیاه هست، ولی سنگ و آب و گیاه، خدا نیست، همان طور که روغن در چراغ هست ولی چراغ روغن نمی‌باشد» (۷).

«دخترم! موجودی را در بند کرده‌ای که زبان ندارد تا هرگاه گرسنه و تشنه شود نیاز خویش را بیان کند، پس خوراک و آب آن را تامین و یا آن را رها کن تا از گیاهان صحرا بخورد» (۲).

رعایت حال حیوانات نه تنها در سیره و سلوک ائمه اطهار (ع) هویدا است بلکه در احکام فقهی نیز ملاک بسیار مهمی در انجام برخی اعمال است؛ تا جایی که طبق برخی متون فقهی، وضو گرفتنی که منجر به تشنه ماندن حیوانی شود را حرام شمرده شده و به جای وضو گرفتن، حکم بر تیمم داده شده است. (۳).

پیش از آن که به بررسی جزئی تعالیم اسلام درباره حفظ محیط زیست و رعایت حال حیوانات، پرداخته شود، لازم است تا ارتباط خداوند، انسان و عالم طبیعت مورد تحلیل قرار بگیرد.

ارتباط سه ضلعی خدا-انسان-طبیعت

خداوند، انسان و عالم طبیعتی که در اسلام معرفی می‌شود، از رابطه سه وجهی برخوردارند که در آن خداوند، در راس مخلوقات اعم از انسان و عالم طبیعت قرار دارد و طبیعت در حالی که مسخر و محبوب انسان است، راهنما و هدایت کننده‌ی او به سوی معبود نیز خواهد بود. از سوی دیگر، انسان، امانت‌دار این مخلوق الهی است. در این قسمت به بررسی کامل‌تر سه وجه مذکور پرداخته می‌شود:

خداوند در رابطه با انسان و عالم طبیعت، از جایگاه خالقیت برخوردار است. از این جایگاه در لسان فلسفی و کلامی، به «علت محدثه و مبقیه» تعبیر می‌شود. خداوندی که خالق عالم طبیعت است، هم خالق اولیه آن بوده و هستی را از عدم به وجود آورده است و هم بزرگ‌ترین و تواناترین نگهبان و نگاه‌دار آن است. برخلاف پندار گروهی که مقام خالقیت عالم هستی را در حد ماده‌ای هوشمند، فرو می‌کاهند و یا کسانی که امری حقیر و کوچک چون ژن، اتم یا شعور عالم‌گیر را نگهبان عالم هستی تصور می‌کنند، خداوند در قرآن کریم، برای بیان حیطه تسلط و قدرت‌ش از جزیی‌ترین و شاید بی‌اهمیت‌ترین پدیده در عالم طبیعت سخن می‌گوید و

در مثالی دیگر، برخی عرفا وجود را به نور خورشید شبیه دانستند که در عین واحد بودن، بر همه چیز می‌تابد و نورانی می‌کند:

«پرتو آفتاب که بر زمین افتد در حد ذات خود منقسم و متکثر نمی‌گردد و اگر بر شیشه‌های متلون تابد هر یک به رنگی نماید» (۸).

فلسفه و عرفا، وحدت وجود را با کمک گرفتن از برخی اصول دیگر چون بساطت وجود ثابت می‌کنند که طبق آن وجود، امری بسیط و غیرقابل تقسیم است، امکان دوئیت و تحقق جداگانه برای آن، قابل تصور نیست. این امر یگانه، در عین حال که قابل دوئیت نیست، قابل شدت و ضعف است و می‌تواند از اشرف موجودات تا اخص آن‌ها را شامل شود.

«کثراتی که ملحوظ می‌شود به مبنای عرفان جز لحاظات و اعتبارات چیز دیگری نیست. همان یک وجود حقیقت واحده را به ظهورات عدیده می‌نگریم و روی جهاتی که همان لحاظات و اعتبارات است، بر آن‌ها اسماء نهادیم. «و کمال توحیده الإخلاص له و کمال الإخلاص له نفی الصفات عنه» چون از جنبش دریا امواج گوناگون پدید آمده، ما نام‌های فراوان بر آن‌ها نهاده‌ایم. با این که جز شکن آب چیز دیگری نیستند و از آن شکن، این تعین‌ها پیش آمد. «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» و هیچ موجی با موج دیگر در حقیقت واحده شخصیه آب بودن تفاوت ندارد و ما به لحاظات و اعتبارات نام‌های مختلف بر آن‌ها نهادیم» (۹).

برخی شعرا، مانند عبرت نایینی مبحث وحدت وجود را به شعر تبدیل کرده اند:

چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست

عالم همه آیات خدا هست و خدا نیست

ما پرتو حقیق ونه اوییم و هم اوییم

چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست

هر جا نگری جلوه گه شاهد غیب است

او را نتوان گفت کجا هست و کجا نیست

طبق اصل وحدت وجود، تمام عالم هستی عرصه ظهور و بروز خداوند است و تمام پدیده‌های عالم، اعم از جماد و نبات،

به اندازه ظرفیت وجودی‌شان، از وجودی مقدس و متعالی برخوردارند؛ به همین دلیل قابل احترام، مقدس و دارای حقوقی خاص هستند.

مقید شدن انسان به رعایت حقوق عالم طبیعت و اعتقاد به خلقت الهی عالم، گواه بر این است که عالم هستی از نوعی شعور اخلاقی بهره مند است (۱۰). به عبارت دیگر، در بینش توحیدی، جهان هستی دارای نوعی شعور اخلاقی است و ردایل اخلاقی، تأثیری تکوینی بر جهان هستی می‌گذارند که بر طبق حکمت خدای متعال بوده و تابع مصلحت و مفسده واقعی است. در بینش توحیدی، بدی اخلاقی، تأثیر تکوینی منفی بر جهان و پدیده‌های طبیعی دارند. اما اگر انسان بر طبق اخلاق عمل کند، هم نوا با جهان هستی شده و پدیده‌های طبیعی نیز او را یاری می‌کنند. عالم هستی، براساس خلقت تکوینی خود به سوی خداوند در حرکت است و مقتضای آن، هم سویی با خیرات و زیبایی‌هاست. جهان مخلوق خدا، به سوی کمال در حرکت بوده و در کلیت خود، خیر است (۱۰).

نگرش دینی به عالم طبیعت

رابطه عالم طبیعت با انسان، از وجوه مختلف قابل ارزیابی است، که قرآن کریم و روایات اسلامی، به خوبی آن پرداخته‌اند. برخی از این شئون، عبارت‌اند از:

طبیعت، مسخر انسان

آموزه‌های دینی در نحوه برخورد انسان با محیط زیست و طبیعت به گونه‌ای هستند که انسان را به طور توأمان به استفاده کردن در عین مراقبت و ارزش‌گذاری ترغیب می‌کند. طبیعت زمین و آسمان، شاید زمینه‌ای برای رفع نیازهای انسان باشد، که با توجه به نقش محوری او و جای‌گاه ویژه‌ای که در نظام خلقت به خود اختصاص داده است، این اجازه را دارد که هرگونه که مایل بود از آن استفاده کند؛ اما بیش از آن، طبیعت از آن جهت که آیه و نشانه‌ای از حکمت خداوند است، قابل احترام بوده و نباید تحت سیطره استعماری انسان واقع شود. برتری و شان والای انسان و قدرت انسان در تسخیر عالم نکته‌ای است که قرآن مجید نیز به آن اشاره کرده است:

هستند و خداوند در برخی آیات این نعمات را یا دآوری کرده و انسان را به شکر آنها فرا می‌خواند:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند، ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم)، و خداوند همیشه به آن چه انجام می‌دهید بینا بوده است» (۴).

طبیعت، مقدمه شناخت خداوند

اهمیت پرداختن به طبیعت آن جا آشکار می‌شود که یکی از قوی ترین ادله در اثبات وجود خداوند، اقتباس شده از محیط‌زیست و نظم موجود در طبیعت است که منجر به شکل‌گیری برهان نظم می‌گردد. امام صادق (ع) در توحید مفضل، تمام هستی را عرصه ظهور و بروز قدرت الهی دانسته و درباره آن این گونه فرمودند:

«بدان که هر چه در جهان هستی جز خدای تعالی، از آسمان و زمین و ما بین آنهاست و تمام موجوداتی که در آسمان و زمین وجود دارند همگی آفریده خدایند، و هر چه در جهان هستی از جوهر، و عرض وجود دارد، دارای بسی شگفتی‌هایی است که نمایان‌گر حکمت، قدرت، جلال و عظمت خداست و این‌ها غیر قابل شمارشند! زیرا اگر آب دریا برای نوشتن کلمات و مخلوقات خدا مرکب شود، پیش از این که کلمات پروردگار پایان یابد آب دریا پایان پذیرد، هر چند که همانند آن دریا را نیز بر آن بیفزاییم، و لیکن ما به مقداری از آنها اشاره می‌کنیم تا نمونه‌ای از دیگر موجودات باشند. آسمان‌ها را با ستاره‌ها، خورشید، ماه، افلاک و حرکت و گردش ستارگان، طلوع و غروب آنها را مشاهده می‌کنیم، و زمین را با تمام کوه‌ها، معادن، رودها، دریاها، حیوانات، گیاهان و میان آسمان و زمین؛ جو را با ابرها، باران‌ها، برف‌ها، رعد و برق‌ها، صاعقه‌ها و بادهای وزنده‌اش می‌بینیم! همه این مشاهدات ما از آسمان‌ها و زمین و موجوداتی که در آنهاست که هر کدام به انواعی و هر نوعی به اقسامی و هر قسمی به گروه‌هایی تقسیم می‌شود، که این

«ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری شان نهادیم» (۴).

درباره وجوه کرامت انسانی، می‌توان به مواردی چون عقل و نطق، صورت نیکو، تدبیر امور دنیا و آخرت، تسلط بر زمین و تسخیر سایر حیوانات و دستیابی به صناعات مختلف اشاره کرد (۱۱-۱۲)، که سبب برتری انسان بر سایر مخلوقات الهی است. «اوست که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و زیورهایی بیرون آرید و خویشتن بدان بیارایید، و کشتی‌ها را بینی که دریا را می‌شکافند و پیش می‌روند تا از فضل خدا روزی بطلبید، باشد که سپاس گویند» (۴).

طبیعت، امدادگر انسان

پیش از این گفته شد که عالم هستی به واسطه خلقت الهی خود، از نوعی شعور و آگاهی برخوردار بوده و در مقام فرمان برداری از خداوند، کوتاهی نمی‌کند. قرآن کریم از عالم طبیعت، به عنوان سپاه و کارگزار خداوند یاد می‌کند و با تأکید بر ناشناخته بودن لشکریان خدا (۴)، تصریح می‌کند که آنها، به اذن الهی، می‌تواند یاری‌گر انسان یا مهلک او باشد. جنبه‌هایی از امداد تسلط انسان بر طبیعت را در زندگی حضرت داوود (ع)، (۴). آن جا که کوه‌ها و خیل پرندگان با او به تسبیح خدا می‌پرداختند و داستان حضرت سلیمان (ع)، (۴). شاهدیم که از منطق الطیر آگاه بود و بر تمام ظهورات عالم، تسلط داشت.

«و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبح گاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را، و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم، و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند، و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیم!» (۴).

در این آیه، از تمام عالم طبیعت اغم از باد، مس مذاب، جن، هم چنین جنبه‌های نادیدنی عالم هستی مانند زمان، یاد شده که همگی به اذن خداوند، در قلمرو تسلط انسان

طبیعت و قسم‌های خداوند

یکی دیگر از راه‌های جلب توجه انسان‌ها به شگفتی‌های طبیعت و عظمت آن در نگرش دینی، توجه کردن به قسم‌هایی است که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره کرده است. خداوند در آیات بسیاری به ظهورات عالم هستی، اعم از اجرام سماوی، منطقه‌های جغرافیایی، حیوانات، خوردنی‌ها و حتی به گرد و غبار پراکنده شده از حرکت اسب‌ها نیز قسم یاد می‌کند. حساب سوگندهایی که خداوند بیان می‌کند را باید از قسم‌های انسانی جدا کرد. انسان‌ها معمولاً برای اثبات ادعایشان، به اموری که از اهمیت، ارزش و عظمت بیش‌تری برخوردارند، قسم یاد می‌کنند. مسلماً این حالت را نمی‌توان برای خداوند در نظر گرفت؛ چرا که هیچ چیزی بالاتر و برتر از خداوند نیست؛ اما می‌توان از سوگندهای قرآنی، این گونه برداشت کرد که خداوند به در میان سایر مخلوقات، به کامل‌ترین و عالی‌ترین آن‌ها قسم یاد می‌کند. گاهی آن چه مورد سوگند خداوند واقع می‌شود از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند طی آیات مجزایی، یک بار به خود مخلوق و یک بار نیز به جایگاه او قسم یاد می‌کند و در آیه بعدی به عظمت این قسم، تاکید می‌کند. این قبیل سوگندها را می‌توان در آیاتی که خداوند به ستارگان قسم یاد می‌کند، مشاهده کرد. آن جا که می‌فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ؛ وَإِنَّهُ لَفَسَّمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ» (۴).

عالم طبیعت اگر به درستی مورد مداقه و تدبیر قرار گیرد، حقیقتاً می‌تواند انسان را به شناخت خداوند برساند. نگاه کردن به عرصه‌های مختلف زیستی و دقت به کار رفته در خلقت موجودات مختلف، به حدی است که هر انسانی را می‌تواند به وادی توحید بکشاند. چرا که اگر طبیعت از چنین قدرتی برخوردار نبود، هیچ گاه در قرآن کریم مورد اشاره واقع نمی‌شد و ائمه اطهار (ع) نیز در باب آن به ایراد سخن نمی‌پرداختند.

تا این جا به جایگاه متعالی محیط زیست اشاره شد و با بیان فلسفی و عرفانی، تقدس عالم طبیعت اثبات شد. هم چنین رابطه متقابل انسان و محیط زیست بیان شد و نحوه هدایت‌گری عالم طبیعت برای شناخت خالق عالم هستی، در

انقسام و انشعاب و اختلاف صفات، شکل‌ها و هدف‌های ظاهری و باطنی نامتناهی است، همه این‌ها میدانی است برای اندیشیدن! و تمام این‌ها با صفات، شکل‌ها و هدف‌های گوناگون ظاهری و باطنی گواه بر یگانگی خدا و دلیل بر جلال و کبریایی اوست»

حکمای مشا از مشاهده افعال متکثر و هماهنگی که در گیاهان و حیوانات است و مستند به اجزای و عناصر مادی خاص درون گیاه یا حیوان نیست، نفس حیوانی یا گیاهی را نتیجه گرفتند و شیخ اشراق از هماهنگی عالمانه و مدبرانه میان عناصر، به اثبات ارباب انواع برای آن‌ها می‌پردازد (۱۳). در واقع طبیعت آسان‌ترین راهی است که برای انسان شناخت خداوند را مقدور می‌سازد. هر چند گاهی منجر به خطا رفتن انسان نیز می‌شود و به جای هدایت انسان به خداپرستی، او را به وادی پرستش ماه و خورشید و خلق الهه‌های وهمی می‌کشاند. این گونه کفر اندیشی‌ها، می‌تواند گواه بر این باشد که در ذهن انسان‌های گذشته، طبیعت دارای قدرت خدایی بوده است. نکته‌ای که حضرت ابراهیم (ع) نیز برای بیدار کردن غافلان، به آن اشاره می‌کند و ابتدا خود را به پرستندگان ماه و خورشید بدل کرده و سپس با اشاره به زوال‌پذیری ماه و خورشید، می‌فرماید: «لا احب الاقلین» (۴).

برهان نظم در قرآن

خداوند در قرآن کریم، به منظور تحکیم ایمان و اعتقاد انسان‌ها به وجود خالقی مدبّر و آگاه برای خلق و تدبیر عالم هستی، به بیان برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات عالم طبیعت می‌پردازد و در آیات مختلف، انسان را به تعمق و تعقل فرامی‌خواند. برخی از این آیات عبارتند از: «در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و درآمد و شد شب و روز، و در کشتی‌هایی که در دریا می‌روند و مایه سود مردمند، و در بارانی که خدا از آسمان فرو می‌فرستد تا زمین مرده را بدان زنده سازد و جنبندگان را در آن پراکنده کند، و در حرکت بادهای و ابرهای مسخّر میان زمین و آسمان برای خردمندانی که در می‌یابند نشانه هاست» (۴).

شخص بودن در آشیایی چون خانه و ماشین دیده نمی‌شود، زیرا آن‌ها وجودشان مستقل از ماست و بدون مالک هم قابل تصورند، در تایید نظر علامه آورده‌اند: در عین حال که خداوند مالک تمام هستی است، ما نیز در مورد اعضا و جوارح نوعی مالکیت تکوینی داریم (۱۵). این رابطه با نقدهای مختلفی مواجه شده است که تفصیل آن خارج از بحث است.

وقتی انسان به اعضا و جوارح خود، به عنوان امانتی الهی نگاه کند، مسلم است که برای حفظ و نگه‌داری آن، میل و رغبت بیش‌تری یافته و خود را مسوول حفظ سلامتی بدنش می‌داند. در واقع، ویژگی امانت‌داری که از اوصاف جدایی‌ناپذیر اهل ایمان است، شامل حفظ اعضا و جوارح بدن نیز خواهد بود. انسانی که به واسطه ایمان خود، به رعایت و حفظ بدن خویش، موظف می‌شود، بر خود لازم می‌داند تا حقوق بدن خویش را ادا کند. برخی از این حقوق عبارت‌اند از:

حقوق اعضای بدن بر انسان:

انسان همان‌گونه که در قبال پدیده‌های مختلف پیرامونش دارای وظایفی خاص است، در برابر بدن خویش نیز موظف به حفظ ضوابط و اصولی چند است. در دین اسلام، تعلیمی وجود دارد که در قالب دستورالعمل‌های بهداشتی و پزشکی، نحوه سالم نگه‌داشتن بدن، به انسان آموخته شده است. آشکارترین توصیه‌های پزشکی در کتاب شریف طب الرضا(ع) و طب الصادق(ع) مطرح شده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهد شد. اما غیر از این توصیه‌های پزشکی، اسلام، اعضا و جوارح انسان را دارای شئون دیگری نیز می‌داند. مثلاً اعضای بدن در روز قیامت به عنوان شاهد، بر اعمال انسان گواهی می‌دهند و قرآن نیز به صراحت به آن اشاره کرده است و از سخن گفتن دست‌ها در روز قیامت، پرده برداشته است. طبق برخی روایات، اعضای بدن نیز موظف به ایمان آوردن بوده، که به طور مفصل به احادیث موجود، پرداخته می‌شود. اما برخی از حقوقی که گوش، چشم و پا بر ذمه انسان دارند، از این قرارند:

حق گوش:

قالب برهان نظم مطرح و از میان آیات و روایات نیز شواهد آن بیان شد. هم‌چنین، امانت‌داری، تسخیر عالم طبیعت، ضمن تأکید بر حفظ و آبادانی آن نیز بیان شد. در این‌جا به آموزه‌های اسلام و تأثیرات باور دینی بر نحوه برخورد و حفظ بدن جسمانی انسان و حیوانات پرداخته می‌شود.

نگرش دینی به بدن انسان:

طبق تعالیم اسلام، انسان در قبال بدن خود، هم‌موظف به حفظ و نگه‌داری و هم‌موظف به رعایت حقوق است. از جمله آثار مستندی که به‌تمامه به حقوق اعضای و جوارح بدن انسان می‌پردازد، رساله حقوق امام سجاد(ع) است که در حجمی اندک، در بر دارنده بزرگ‌ترین مضامین حقوقی است.

«خدا بر تو حقوقی دارد که سراپای وجودت را فراگرفته، در هر حرکت و سکون، هر فرود و فراز، تکان دادن اعضای، به کار گرفتن ابزارها، در همه حقوقی دارد، بعضی بزرگ‌تر و بعضی کوچک‌تر، از همه بزرگ‌تر حق خود اوست که رعایتش را لازم کرده، سپس حق اعضا و جوارح از سر تا قدم، چشم، گوش، زبان، دست و پا، شکم، اندام همه این عضوهای هفت‌گانه که وسیله و ابزار کارها هستند و به تو حق دارند» (۱۴).

این حقوق، ناشی از دیدگاه اسلام به جایگاه بدن و اعضا و جوارح آن است. در واقع، با چنین روی‌کردی که در اسلام، قابل مشاهده است، نوع رابطه انسان با اعضا بدنش نیز مشخص می‌شود. گروهی این رابطه را تصرف و مالکیت می‌دانند و گروهی دیگر، آن را از نوع امانت‌داری معنا می‌کنند.

رابطه مالکیت، از سوی برخی مفسران از جمله علامه طباطبایی، به مالکیت تکوینی، تفسیر شده است. علامه طباطبایی، در تفسیر آیات اولیه سوره حمد، پیرامون لفظ مالک، به این نظر اشاره کرده‌اند که وجود بعضی چیزها قایم به ماست؛ بدان معنی که اگر ما نباشیم جدای از وجود ما، هستی جداگانه‌ای ندارند پس ملک ما تلقی می‌شود. مانند اجزای بدن و قوای پنج‌گانه (بویایی، چشایی و ...) ما به علت سلطه تکوینی که بر اعضای بدن خود داریم مالک حقیقی آن‌ها هستیم. برخی نیز با این استدلال که رابطه، قایم به وجود

اعضای بدن انسان، هم چنان که دارای حقوقی خاص هستند، از وظایفی خاص نیز بهره مندند. طبق برخی از روایات و تفاسیر، اعضای بدن دارای دو وظیفه هستند که عبارت اند از: ایمان به خداوند و شهادت در روز جزا.

ایمان به خداوند:

طبق آن چه که از روایات برداشت می شود، اعضا و جوارح بدن انسان، موظف هستند تا به خداوند متعال ایمان بیاورند. طبق این روایات، نحوه ایمان آوردن هر یک از اعضا، متفاوت از ایمانی است که بر عهده عضوی دیگر گذاشته شده است. در حدیثی در این باره چنین می خوانیم:

«خدای عز و جل بر هر یک از اعضای بدن، عملی را واجب ساخته که انجام دهد، (در این صورت) با ایمان کامل، خدای عز و جل را ملاقات کند و او اهل بهشت است، و کسی که نسبت به برخی از آن‌ها خیانت روا دارد، یا از امر خدای عز و جل تجاوز نماید، با ایمان ناقص خدای عز و جل را ملاقات کند» (۱۷).

در نهایت، سرنوشت انسان مومنی که با اعضا و جوارح خود وارد محشر می شود، این گونه از امام صادق (ع) بیان شده است:

«پس هر که خدا را ملاقات کند در حالی که اعضای بدن خود را (از نافرمانی حق) حفظ کرده و با هر یک از اعضا بدنش آن چه را خدا فرض نموده انجام داده باشد، پس خدا را ملاقات کند در حالی که ایمان خود را کامل ساخته و از اهل بهشت قرار گرفته است، و هر که در چیزی از وظایف این اعضا کوتاهی کند و تجاوز نماید از آن چه خدا فرمان داده است خدا را در حالی ملاقات خواهد کرد که ایمانش ناقص است» (۱۸).

برخی روایات دیگر از مساله جدیدی خبر می دهند که آن سهم اعضای بدن در ابتلای به بلای الهی است. طبق این روایات، برخی بیماری ها مانند تب، بیماری سودمندی شمرده می شود چرا که اعضای بدن را به سهم ابتلای به بلا می رساند.

«زهري از علی بن الحسين (ع) روایت کرده که فرمود: تب درد خوبی است بهر عضوی از اعضای بدن سهم خود را از بلا

«حق گوش این است که پاکش نگه داری، و این مجرای قلب را جز به روی دهان ارزش مندی که خیری در آن به وجود آرد، یا خوی ارجمندی بدان بخشد، نگشایی؛ گوش، دریچه ورود سخن به قلب است که مفاهیم گوناگون و نیک و بد را به آن می‌رساند» (۱۴).

«به تحقیق خدا در کتاب بر شما نازل فرموده که چون بشنوید آیه‌های خدا را منکر می شوند و مسخره می کنند با آن‌ها منشینید تا در سخنی دیگر وارد شوند» (۴)

«مژده بده آن بندگانم را که سخن را می‌شنوند و از نیکوترش پیروی می‌کنند، ایشانند که خدا هدایت‌شان کرده و ایشانند خردمندان» (۴).

حق چشم:

حق چشم آن است که آن را به حرام نیاندازی، و جز آن جا که عبرتی در کار باشد، بصیرتی افزایش یا علمی به دست آرد، به کارش نگیری که چشم دریچه قلب است.

«به مومنان بگو چشم های خود را(از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آن چه انجام می‌دهید آگاه است» (۴).

در برخی از روایات، چشم را همراه با صفتی خاص معرفی کرده‌اند:

«در میان اعضای بدن هیچ چیز کم شکرگزارتر از چشم نیست، پس کم‌تر به خواسته‌اش پاسخ گویند که در غیر این صورت شما را از یاد خدای عز و جل باز می‌دارد» (۱۶).

حق پا:

حق پا آن است که با آن راه حرام نیمایی، مرکب راهی که پویندگانش، خفت و اهانت بینند قرارش دهی، پا وسیله نقلیه توست، به راه دینت می‌برد، و وسیله سبقت توست. (۱۴).

«در روی زمین متکبران راه مرو، که هرگز زمین را نخواهی شکافت و هرگز به بلندی کوه ها نخواهی رسید» (۴).

«و در رفتن خویش معتدل باش و صدای خود را کوتاه کن که زشت ترین آوازه‌ها آواز خرانست» (۴).

وظایف اعضا و جوارح بدن:

داروهای طبیعی، از جمله سفارشات بود که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به آن تأکید فراوان می‌کردند.

امیرالمومنین علی (ع) در این باره فرمودند:

«کسی که بیماریش را از پزشک پنهان کند، به بدنش خیانت کرده است» (۲۱).

طب النبوی (ص)، طب الرضا (ع) و طب الصادق (ع)، از اولین آثار است که در این زمینه نوشته شده است. از دیگر آثار است که در زمره اولین کتب پزشکی مسلمانان بود، مربوط به نیمه دوم قرن هجری، معروف به «فردوس الحکمه» اثر علی ابن ربن طبری بود که وی استاد زکریای رازی و آثارش پیش گام نوشتن آثار پزشکی مختلف بود. (۲۲)

دستورات و آموزه‌های پزشکی در میان تعالیم اولیای دین، به حدی زیاد است که پرداختن به آن مجال بیش تری می‌طلبد اما به طور خلاصه، به چند نمونه از این تعالیم اشاره می‌شود. در اسلام، نعمت سلامتی از چنان ارزشی برخوردار است که این گونه از آن یاد شده است: خیری در زندگی نیست مگر با صحت، همانا در صحت بدن شادمانی فرشتگان و خوشنودی پروردگار و استواری سنت است» (۲۳).

حفظ سلامتی بدن با رعایت اعمالی خاص به دست می‌آید که این اعمال در سیره ائمه اطهار (ع) به خوبی عنوان شده است. از باب نمونه، به چند حدیث که به طریقه دوری از بیماری و حفظ سلامتی بدن اشاره دارد، پرداخته می‌شود. از حضرت علی (ع) نقل است که فرمودند:

«کسی که نهال هوس‌های گوناگون در دل بکار، میوه دردهای گوناگون بچیند. زندگی را برای خوردن مخواه، بلکه خوردن را برای زندگی بخواه» (۲).

پیامبر اکرم (ص)، در باره طریقه خاصی از آب خوردن را منجر به بیماری دانستند و فرمودند: «آب را هنگام نوشیدن بمکید و یک باره سر نکشید. چرا که مایه ناراحتی کبد می‌شود» (۲۴). پرهیز از پرخوری و ترغیب به رعایت اعتدال، از نمونه‌هایی است که در جهت حفظ سلامتی، مورد سفارش قرار گرفته است. رعایت بهداشت، پرهیز از پرخوابی، پرهیز از استفاده توأم برخی از غذاها به حفظ سلامتی انسان کمک زیادی می‌کند.

می‌رساند، و خیر و خوبی در کسی که بلا نبیند نخواهد بود» (۱۹).

شهادت در قیامت

اعضای بدن انسان، در قیامت در زمره شاهدان اعمال قرار گرفته و این شهادت در قرآن این گونه عنوان شده است:

«و درباره گواهی دست‌ها و پاها علیه خود و صاحبان‌شان نسبت به تباہ ساختن امر خدای عز و جل و واجبش فرماید: «امروز بر دهان‌هاشان مهر می‌زنیم و دست‌های‌شان با ما سخن گویند و پاهای‌شان باعمالی که می‌کرده‌اند گواهی دهند» (۴). آن است آن چه خدا بر دست‌ها و پاها واجب ساخته و همین هم عمل ایمانی آن هاست» (۱۷).

«نه فقط زبان بلکه تمام اعضای از پوست و دست و پا و غیره گویا خواهند بود، همه زباند و گوش‌اند در عده‌ای از آیات راجع به شهادت اعضای بدن تصریح شده از جمله «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۴) چون پیش آتش آیند، گوش‌ها، چشم‌ها و پوست‌هایشان به آن چه کرده‌اند گواهی می‌دهد. بالاتر از این رو کرده به پوست‌هایشان گویند «لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا» چرا بر علیه ما گواهی دادید؟ آن‌ها در جواب گویند: «أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ» (۴). خدایی که همه چیز را گویا کرده ما را به نطق در آورد».

تعالیم پزشکی اسلام در باب حفظ بدن:

دین اسلام، به تناسب رسالتی که به عهده داشت و موظف به هدایت انسان‌ها برای وصول به سعادت بود، ناگزیر از ارائه دستورالعمل‌هایی برای حفظ سلامتی مسلمانان بود. در واقع، انسان که آفریده خدا و خلیفه و امانت‌دار اوست، برای زندگی و حیاتی آفریده شده است که در پیوندهای گوناگون خود، خدا محور است، و در این زندگی و بندگی به بدن سالم نیاز دارد و بهره‌مندی همه جانبه او از سلامتی اساس فعالیت‌های وی در زندگی مادی و معنوی است که در زبان پیامبر اکرم (ص) از آن به «نعمت پنهان و ناشناخته» یاد شده است (۲). رجوع به پزشکان و استفاده از

درختان مورد سفارش قرار گرفته است، تا جایی که حضرت علی(ع)، در توصیه عمران اراضی، به مالک اشتر فرمودند: «باید که توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن خراج باشد، چه خراج جز در نتیجه آبادی فراهم نمی‌آید. هر کس بدون آباد کردن زمین خواستار خراج شود، کشور را خراب و مردم را هلاک کرده است» (۲۵).

از نبی اکرم (ص) در مذمت قطع درختان نقل شده است که فرمودند: «هر کس درخت سدّری را بی‌جهت قطع کند خدا سرش را در آتش فرو می‌برد» (۲۶).

از دیگر احادیثی به اهمیت آبادی زمین و کاشت درختان اشاره دارد، حدیثی است از نبی اکرم(ص) که فرمودند: «اگر نهالی در دست یکی از شماست و در آستانه برپایی قیامت به اندازه کاشتن آن فرصت دارید، آن را بکارید» (۲).

یکی از آثار بسیار مفیدی که به عمران زمین و کشت و زرع مترتب است، کسب روزی حلال و صدقه بودن محصولات آن‌ها است. از امام صادق(ع)، نقل شده است که فرمودند: «کشاورزی و درخت کاری کنید؛ به خدا سوگند کاری حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن نیست» (۲).

در حدیثی از رسول اکرم(ص)، وارد شده است که در آن محصولات کشاورزی را به مثابه صدقه دانسته و درباره آن می‌فرمایند:

«اگر مسلمانی درختی بکارد و پرنده، انسان یا حیوانی از میوه آن بخورد برایش صدقه به شمار می‌آید» (۲۶).

هم چنین طبق برخی روایات، کاشت درختان و بهره‌گیری دیگر افراد از ثمرات آن، به عنوان صدقه جاریه بوده و بعد از مرگ فرد کشاورز نیز از برکات آن بهره‌مند خواهد بود. در این باره احادیث فراوانی وجود دارد از جمله حدیثی از نبی مکرم اسلام (ص)، که فرمودند:

«پنج گروه‌اند که در گورهایشان به سر می‌برند لیکن ثواب و پاداش کارهایشان به نام عمل‌شان جاری می‌شود: یکی از آن‌ها کسی است که با دستان خود نخلی نشانده باشد»

بعد از پرداختن به تعالیم اسلام و آموزه‌های دینی در معرفی جایگاه و وظایف اعضای بدن، حقوقی که اعضا و جوارح انسان بر ذمه او دارند، پرداخته شد و نحوه حفظ بدن در قالب تعالیم مختصری، بیان شد. بعد از بیان نحوه رفتار مومنانه با بدن، به جاست تا به تاثیرات باور دینی در نحوه برخورد با عالم طبیعت و حیوانات بپردازیم.

نگرش دینی بر حفظ محیط زیست و جلوگیری از نابودی آن:

از اثرات برخورد دینی با محیط زیست این است که در دین، انسان حق نابودی طبیعت را ندارد؛ از آزار رساندن به حیوانات منع می‌شود، به کشاورزی و گسترش کشت و زرع امر می‌شود و باید نسبت به طبیعت حرمت قایل شود. به طور خلاصه می‌توان دیدگاه دین اسلام را نسبت به طبیعت در حدیثی از نبی اکرم (ص) یافت که فرمودند:

«در نگه داری زمین بکوشید و به آن حرمت نهید که مادر شماست و هر کس بر روی آن کار نیک یا بدی را انجام دهد، گزارش خواهد کرد» (۲).

مسلم است زمینی که دارای چنین حرمتی است، به هیچ وجه نباید مورد آسیب و فساد قرار گیرد. قرآن کریم در آیات فراوانی به سزای فسادکنندگان در زمین پرداخته و آنان را از این کار منع کرده است. برخی از این آیات عبارتند از:

«چون از نزد تو بازگردد، در زمین فساد کند و کشتزارها و دام‌ها را نابود سازد، و خدا فساد را دوست ندارد» (۴).

عمران و آبادانی محیط زیست:

از دیگر تعالیم دینی در نحوه برخورد با محیط‌زیست، سفارش به عمران و آبادانی است، که می‌توان به بهترین شکل ممکن در سیره عملی ائمه اطهار(ع) شاهد بود. حضرت علی(ع)، در عین مشغله‌های حکومتی، این وظیفه مهم را شخصاً عمل می‌کردند و در مدینه و کوفه، به کاشت درختان و حفر چاه می‌پرداختند. وجود منطقه‌ای به نام «آبار علی» در مدینه، شاهدهی در این مدعاست. عمران و آبادانی زمین در سایه کاشت

نمی‌دادند. این حیوانات تا زمان مرگشان در این مکان چرا می‌کردند. در میان موقوفه‌های دمشق، مکان‌هایی نیز یافت می‌شود که در آن گربه‌ها می‌توانستند در آن بخورند و بخوابند و جست و خیز کنند» (۱).

علاوه بر این، به دستور پیامبر اکرم(ص)، مناطق حفاظت شده‌ای به عنوان «حِمی» در مدینه تأسیس شد. حِمی، منطقه‌ای بود که ضمن بهره‌مندی از درختان و نخلستان‌های بسیار، فضایی قُرُق شده را فراهم کرده بود تا انواع حیوانات بتوانند در آن به راحتی و بدون تهدید زندگی کنند. در این منطقه، قطع درختان، کندن بوته‌ها و آزار حیوانات ممنوع بوده است. مساحت این زمین تقریباً ۱۲ مایل بوده است. (۱) با بررسی آیات قرآن کریم، مشخص می‌شود که در اسلام، حیوانات مانند زینتی برای انسان بوده و در روایات زیادی بهره‌مندی از مرکب مناسب، جزء نعمات شمرده شده است. خداوند حیوانات را خلق کرده است تا به انسان سود برسانند و او را برای سفر و حمل و نقل یاری کنند و به عنوان زرّقی برای انسان باشند. اما در عین حال، حیوانات حقوقی را نیز به گردن انسان دارند، مانند حق آب و غذا، کار نکردن بیش از توان، کتک نخوردن، مداوا کردن در صورت بیماری که به برخی از آیات و احادیث در این باره اشاره می‌شود.

حیوانات، زینتی برای انسان:

از جمله آیاتی که حیوانات را زینتی برای انسان معرفی کرده‌اند، آیه‌ای است که خداوند در آن می‌فرماید:

آیه اول:

«و اسبان و استرآن و خران را برای آن آفریده است که سوارشان شوید و نیز زینت شما باشند. و خدا چیزهایی آفریده که شما نمی‌دانید» (۴).

آیه دوم:

«خداخانه‌هایتان را جای آرامش‌تان قرار داد و از پوست چهارپایان برای‌تان خیمه‌ها ساخت تا به هنگام سفر و به هنگام اقامت از حمل آن‌ها در رنج نیفتید. و از پشم و کرک و

نگاه کردن به طبیعت تا جایی برای انسان مفید است که طبق برخی روایات منجر به روشنی دیده می‌شوند. از جمله این احادیث، روایتی است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «سه چیز است که سبب روشنی چشم می‌شود: نگاه کردن به سبزه، آب روان و روی نیکو» (۲۷).

نکته جالب در بررسی آموزه‌های اسلام در باب حفظ محیط زیست این است که با این که اسلام در سرزمین خشک و بیابانی رواج یافته است، اما نه فقط در باب کاشت درختان و آبیاری، بلکه در مورد گل‌ها نیز می‌توان احادیثی را یافت. از جمله این حدیث که حضرت علی (ع) فرمودند:

«پیامبر اکرم(ص) با دو دست‌شان به من گل محمدی هدیه کردند. چون آن را بوییدم، فرمودند: این گل، پس از برگ و گل درخت مورد، بهترین گل بهشتی است.» (۲۸).

پیامبر اکرم (ص) جهت ترغیب مسلمان برای عطرآگین کردن فضا و استفاده هر چه بیش تر از عطر گل‌ها، می‌فرمودند: «محبوب من از دنیای شما بوی خوش است» (۲۸).

نگرش دینی به حیوانات:

اهمیت دادن به حیوانات و مدارای با آن‌ها، از جمله سنت‌هایی است که از ابتدا مورد تاکید واقع شده است. از بررسی تعالیم اسلامی این گونه نتیجه می‌شود که حیوانات همان گونه که به انسان خدمت می‌کنند، دارای حقوق خاصی نیز هستند که همواره صاحبان آن‌ها موظف به رعایت این حقوق هستند. رعایت حال حیوانات و پرداختن به محیط زیست در اسلام به حدی است که اولین دام پزشکی‌ها و مناطق حفاظت شده طبیعی، به سفارش و دستور نبی اکرم(ص) ساخته شده بود. یکی از حقوق دانان فرانسوی که در قرن هفدهم به امپراطوری عثمانی سفر کرده بود در گزارش خود نوشته بود:

«در سنت کهن موسسات موقوفه مناطقی برای چرا و مداوای حیوانات در نظر گرفته شده است. مرعای سبزه، مکانی برای چرای حیوانات از پا افتاده بود که صاحبان شان به آن‌ها غذا

موی‌شان، تا روز قیامت برای‌تان اثاث خانه و اسباب زندگی ساخت.» (۴).

آیه سوم:

«خواست که چارپایان را برای‌تان آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از بعضی بخورید؛ و شما را در آن منافی است و می‌توانید با آن‌ها به حاجاتی که در نظر دارید برسید. و بر آن‌ها و بر کشتی‌ها سوار شوید» (۴).

حیوانات، موجوداتی ذی شعور:

با بررسی برخی روایات و آیات مشخص شده است که حیوانات که جزئی از عالم طبیعت هستند، هم چون سراسر عالم هستی، موجوداتی شعورمند هستند و از امور مختلفی چون اعمال اخلاقی انسان‌ها اثر می‌پذیرند. در واقع، اعمال بد و ناشایست، مانند حرکت برخلاف جهت رودخانه به سختی انجام می‌شود و با جریان طبیعت هم سو نیست. طبیعت و سایر موجودات، نسبت به بدی و خوبی برخورد یکسانی ندارند و یه یاری نیکی‌ها و خوبی‌ها برمی‌خیزند و بدی‌ها در آن‌ها اثر نامطلوبی دارد و نظم طبیعی آن‌ها را بر هم می‌زند. امام علی(ع)، جهان هستی را مخلوق خداوند و دارای شعور و هماهنگی دانسته‌اند و می‌فرمایند:

بدانید این زمینی که شما را بر روی خود نگه می‌دارد و آن آسمانی که شما را در سایه اش قرار می‌دهد، هر دو فرمان‌بردار پروردگار شما هستند. آن‌ها از روی دل‌سوزی و یا از در چاپلوسی و یا به امید خیر و نیکی بهره‌ای، سود و برکت خود را در دسترس شما نمی‌گذارند؛ بلکه دستور دارند تا نیازمندی‌های شما را بر آورند؛ پس اطاعت امر کرده، برای انجام مصالح شما قیام نموده‌اند. خداوند بندگان را که به کارهای شایسته می‌پردازند، با کاهش نعمت و از میان رفتن برکت و بسته شدن درهای رحمت به رویشان دچار می‌سازد تا کسانی که پشیمان‌اند، راه توبه پیش گیرند و آن‌هایی که سر به هوا هستند، پند و اندرز پیش گیرند و ایزد بزرگ و توانا آمرزش خواستن را سبب فراوانی روزی و رسیدن رحمت و مهربانی قرار داده است. (۱۰).

شعور مندی به این معنا است که حیوانات نیز در مواقع مختلف نه تنها به تسبیح و تقدیس خداوند می‌پردازند بلکه در موقعیت‌های خاص به سخن گفتن با خداوند می‌پردازند. نمونه‌ای از این سخن گفتن را امام موسی کاظم(ع) در حدیثی این‌گونه فرمودند:

«هر حیوانی هنگام سوار شدن صاحبش بر آن می‌گوید: بارخدا، او را به من مهربان کن» (۲۹).

امام صادق(ع)، در حدیثی به چهارنوع شعور حیوانات، اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«هر چند خداوند شعور خاص انسانی را به حیوانات نداد، اما به آن‌ها چهار خصلت(شعور) را اضافه کرد: شناخت خالق خود، شناخت چگونگی پی‌جویی روزی، شناخت نر از ماده و ترس از مرگ» (۲۴).

در حدیثی دیگر که به نقل از اباذر است، به درخواست صبح‌گاهی حیوانات از خداوند اشاره شده است. در این حدیث، اباذر به نقل پیامبر اکرم(ص) می‌گوید:

«شنیدم از رسول اکرم(ص) که می‌فرمودند: «حیوان هر روز صبح، به خداوند می‌گوید: پروردگارا! مالکی درست کار روزیم کن که سیر و سیرابم سازد و مرا به کاری افزون بر توانم و ندارد» (۲).

حقوق حیوانات بر انسان:

اسلام تمام آن‌چه که برای زندگی سالم حیوانات لازم است را بر صاحبان حیوانات تکلیف کرده است و آنان را موظف به انجام آن کرده است. این اصل مهم را حضرت علی(ع)، این‌گونه بیان می‌کنند:

«خدا را پروا کنید در حق شهرهای او و بندگان که شما مسوول هستید حتی در برابر سرزمین‌ها و چارپایان» (۳۰).

در اسلام به حقوق زیادی برای حیوانات اشاره شده است که برخی از این حقوق عبارتند از:

حق آب و غذا:

از جمله اساسی‌ترین حقوق حیوانات که بر ذمه صاحبان آن‌ها است، حق دادن آب و غذا است. عدم همّت در این کار،

آزار نرساندن به حیوانات:

با توجه به آن چه در مورد اهمیت و برکت حیوانات برای انسان، گفته شد مشخص است که انسان حق آزار رساندن و زدن حیوانات را ندارد. یکی از مواردی که به شدت نهی شده است، شلاق زدن به صورت حیوانات است که درباره آن از رسول خدا(ص) روایت است که فرمودند:

«لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوْهِهَا، فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ» (۲).

«بر چهره حیوان نزنید، زیرا چهره هایشان با حمد و سپاس، خداوند را تنزیه می کنند»

در روایتی دیگر از امام سجاده(ع)، نقل است که در تشریح به سفر حج، شتر ایشان در راه رفتن سستی و کندی می کرد. در این هنگام، امام سجاده(ع)، چوب دستی‌شان را به حیوان نشان دادند و فرمودند:

«آه! اگر ترس از قصاص نبود (این کار را می کردم). سپس دست‌شان را پایین آوردند و چوب دستی را از حیوان دور کردند» (۳۲).

نتیجه گیری

ماحصل آن چه گفته شد را این گونه می‌توان خلاصه کرد که در دین اسلام، به عالم طبیعت، نه به عنوان وجودی مستقل، بلکه به عنوان تجلی و ظهوری الهی نگاه می‌شود که در آن تمام مخلوقات، نمایی از اسمای الهی بوده و به همین دلیل، قابل و لایق احترام هستند. در اسلام، خداوند در بالاترین مرتبه هستی، انسان، خلیفه خداوند و عالم هستی نیز طفیل وجود انسان تلقی می‌شود که قدرت تسلط و تسخیر عالم را داشته و در عین حال، موظف است با طبیعت، هم چون عطیه الهی برخورد کند و در حفظ و آبادانی آن کوشیده و همواره عالم هستی را عزیز بدارد. اصل وحدت وجود، از جمله اصولی است که به خوبی می‌تواند یگانگی در عین جدایی خداوند، انسان و عالم هستی را توجیه کند. در باور دینی اسلامی، همان گونه که برای سایر موجودات اعم از جماد و نبات و حیوان، شان و حقوقی لحاظ شده است، برای اعضا و

طبق بسیاری از روایات با عذاب دردناک الهی همراه است. چرا که حیوانات از صاحب خود که آن‌ها را گرسنه نگه داشته، بر خداوند شکایت می‌کنند. این مساله در احادیث زیادی عنوان شده است. از جمله این احادیث:

پیامبر اکرم(ص)، وارد باغ یکی از انصار شد و شتری را دید. شتر با دیدن پیامبر اکرم(ص) چشمانش پر از اشک شد. آن حضرت بر کوهان شتر دستی کشیدند و حیوان آرام شد. حضرت رسول(ص) سوال کردند: صاحب این شتر کیست؟ جوانی از انصار پاسخ داد: مال من است. پیامبر اکرم(ص)، به وی فرمودند: «آیا درباره این چارپا که خدا تو را مالک او قرار داده است، پروای الهی نمی‌کنی؟ او نزد من از این که تو او را گرسنه نگه می‌داری شکایت کرده است» (۲۶).

روایتی دیگر وجود دارد که تأییدی بر اهمیت زیاد بهداشت غذایی حیوانات است. یکی از اصحاب نبی اکرم(ص)، را دیدند که خودش مشغول پاک کردن جویهای اسبش است. به او گفتند: چرا نمی‌گذاری تا دیگران این کار بکنند؟ پاسخ داد: «از رسول خدا (ص)، شنیدم که فرمودند: مردی نیست که خودش برای اسبش جویها را پاک کند، مگر این که خداوند به قدر هر دانه‌ای، حسنه ای برایش می‌نویسد» (۳).

نحوه بار گذاشتن بر حیوانات

در اسلام از تحمیل بار زیاد و کج که موجب آزار حیوان شود، نهی شده است. هم چنین بر پایه برخی روایات، نباید بر پشت حیوان خوابید؛ زیرا موجب زخمی شدن بار حیوان می‌شود و این کار حکیمانانه نیست. مگر آن که بر پشت حیوان، محملی باشد که راکب بتواند بدون اذیت حیوان به استراحت بپردازد. (۲). تاکید بر این مطلب به حدی است که می‌توان آن را به صورت متواتر در کتب روایی یافت. به عنوان مثال، این مطلب در کتاب جواهر الکلام نیز این گونه عنوان شده است:

«بر حیوان بیش از توان آن، نباید بار کرد. از حمل بار بسیار سنگین بر حیوان، پیمودن مسیر طولانی بدون استراحت و سوار شدن سه نفر بر یک حیوان نهی شده است» (۳۱).

۱۱. فیض کاشانی، محسن، **الأصفي في تفسير القرآن**، چ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۶۸۹
۱۲. بیضاوی، عبدالله ابن عمر، **چ اول، انوار التنزيل و اسرار التأويل**، بیروت: دارالإحياء التراث العربی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۶۲
۱۳. جوادی آملی، تبیین براهین اثبات خدا، چ پنجم، قم: إسرائ، ۱۳۸۸، ص ۲۴۱
۱۴. امام سجاد، رساله حقوق، ص ۳ (کتاب خانه مجازی شیعه، www.shia-library.blogfa.com)
۱۵. کاظمی افشار، هاجر و همکاران، "نحوه ارتباط انسان با اعضای بدن خود از دیدگاه فقه و حقوق"؛ **نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۱، ۱۳۹۰، ص ۳۴
۱۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول / ترجمه جعفری - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ش. ص ۱۰۹
۱۷. کلینی، احمد بن یعقوب، **أصول الکافی**، (ترجمه: محمد جواد مصطفوی)، چ اول، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش. ج ۳، ص ۶۰-۶۱
۱۸. عاملی، شیخ حر، **جهاد النفس وسائل الشیعة**، چ اول، ترجمه: علی صحت، تهران: ناس، ۱۳۶۴ ش. ص ۱۱
۱۹. ابن بابویه، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، چ اول، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران: کتبفروشی صدوق، بی تا. ص ۴۲۷
۲۰. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن - تهران، چاپ: ششم، ۱۴۱۲ ق. ج ۶، ص ۵۵
۲۱. تمیمی آمدی، عبدالوهاب، **غررالحکم**، چ دوم، مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دارلکتاب اسلامی، ۱۴۱۰، ص ۴۸۴

جوارح انسانی نیز حقوق و شئونی معرفی می شود که انسان موظف به رعایت آن بوده و در صورت گرامی داشتن این حقوق است که به فرد مسلمان به صورت مؤمن کامل، از دنیا خواهد رفت.

منابع

۱. صادقی، امیر حسین و همکاران، ((رویکرد های نوین به درون مایه های دینی در حفاظت محیط زیست))، **نشریه پژوهش و حوزه**، ۱۳۸۶، شماره ۳۰، ص ۱۵۹
۲. جوادی آملی، عبدالله، چ ششم، **مفاتیح الحیاء**، قم: إسرائ، ۱۳۹۱، ص ۶۷۴
۳. احمدی خواه، علی، "حقوق حیوانات در سیره و سخن رسول رحمت"، **نشریه معرفت**، شماره ۱۸۲، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰
۴. قرآن کریم
۵. رستمی، محمد حسن، **سیمای طبیعت در قرآن**، چ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲
۶. لاهیجی فیاض، گوهر مراد، چ اول، تهران: سایه، ۱۳۸۳، ص ۲۸۳
۷. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، **امام شناسی**، چ سوم، مشهد، علامه طباطبائی، ۱۴۲۶ ش، ج ۱۸، ص ۱۳۰
۸. محقق دوانی، تهلیلیه، چ اول، تهران: کیهان، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۲۸
۹. حسن زاده آملی، حسن، **ممد الهمم در شرح فصوص الحکم**، چ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۷
۱۰. محمدی، مسلم و مرضیه، "تأثیر دو باور اعتقادی توحید و معاد بر اخلاق در نهج البلاغه"، **فصل نامه پژوهشی پژوهش نامه اخلاق**، شماره ۴، ۱۳۹۰، ص ۸۹

۲۲. شریف حسینی، "پزشکی در تمدن اسلامی"، نشریه پژوهش و حوزه، شماره ۱۷-۱۸، ۱۳۸۳، ص ۹۰
۲۳. مستغفری، جعفر بن محمد، روش تندرستی در اسلام / ترجمه طبّ النبی و طب الصادق علیهما السلام، چ اول، ترجمه: یعقوب مراغی، محمد خلیلی، قم: مؤمنین، ۱۳۸۱، ص ۱۵
۲۴. کلینی، اصول الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری - محمد آخوندی - ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۸۱
۲۵. حکیمی، محمد رضا، الحیاء، چ اول، مترجم: احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۷۴۵
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۶۳، ص ۱۱۳
۲۷. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، چ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴، ص ۴۰۹
۲۸. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا(ع)، چ اول، (مصحح: مهدی لاجوردی)، تهران: نشرجهان، ۱۳۷۸ج ۱، ص ۴۰-۴۱
۲۹. برقی، احمد ابن خالد، المحاسن، چ دوم، مصحح: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۲۶
۳۰. بحرانی، ابن میثم، اختیار مصباح السالکین، چ اول، مصحح: محمد هادی امینی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۱
۳۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۹۴، ج ۳۱، ص ۳۹۷
۳۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق. ج ۱۱، ص

The Impact of Religious Belief On How To Deal With Environmental

سمت ها به درستی درج گردد **Maryam rafia***¹

Nafise sate²

Abstract:

This present article is writing in order to explain the impact of religious belief on how to deal with environmental issues. This papers some how comparative between Islamic theology and the environment, that is used the theological and philosophical foundations for how to deal with environmental. Also, environment, in the broadest possible sense used and there is the corresponding nature intended. The relationship between God as creator of the universe, and nature as subject human beings and he's Guide to theology, and the man as heir and representative of by God on earth, that is the power to seize and conquer nature, are the purpose of this article. Therefore introducing the universe as a divine trust and suggests some lessons on how to preserve and maintain it, that Islam requires believers to put it, among the goals or purpose of this paper is to investigate and explain.

Keyword: Religious belief, Human, Environment, Animals.

1 Master of Islamic theology. Faculty of Theology, University of Qom

2. assistant professor of philosophy and Islamic theology. University of Qom.

